

بسم الله الرحمن الرحيم

محفل ۱

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عرض می‌کنم خدمت همه شنوندگان عزیز. اولین پادکستی را که از برنامه محفل می‌خواهیم خدمتتان ارائه بدهیم، پادکست مربوط به شهادت است. حالا اینکه چرا ما این پادکست را انتخاب کردیم به عنوان اولین پادکست، غیر از بحث مهم شهادت که یکی از بحث‌های جدی بحث‌های قرآنی است، ما در ایام شهادت شهید خدمت، رئیس‌جمهور شهیدمان، حضرت آیت‌الله رئیسی هستیم و همراهان ایشان. از این جهت است که به نظر آمد که اولین پادکست را اختصاص بدهیم به مسئله شهید و شهادت در قرآن.

اصطلاح شهید در قرآن

خب، یک بحث ابتدایی لازم است که انجام دهیم راجع به اینکه ما کلمه شهید را در قرآن داریم، اما به این معنای اصطلاحی که ما امروزه استفاده می‌کنیم، به معنای شهید و شهادت نیست. بلکه به معنای گواهان بر عمل و شاهدان بر عمل است. ما کلمه شهید را داریم در قرآن، در سوره مبارکه نساء دارد: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» که حال امت‌ها چه جوری است که هنگامی که از هر امتی گواهی و گواهی بر اعمال آن امت است که پیامبران آن امت هستند و پیغمبر خاتم، بر همه آن پیغمبرها، شاهدی و شاهد و گواه بر اعمال آنها هستی. ببینید کلمه شهید استفاده شده است. یا در آیات دیگر داریم کلمه شهدا استفاده شده است: «وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ» برای اینکه از میان شما ما یک سری گواهان بگیریم برای اینکه ایام وقتی که متداول می‌شود، چه اتفاقاتی می‌افتد؟ حکومت‌ها چه جوری دست به دست می‌شوند؟ و جریان‌ها چه جوری دست به دست می‌شود؟ و شهادت به معنای گواهی بر این عمل از میان شما اتفاق می‌افتد. این کلمه به معنای شهید به معنای اصطلاحی شهید نیست.

اما کلمه اصطلاحی که ما دنبالش می‌گردیم که به معنای شهادت اصطلاحی در فارسی است، کلمه «قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، «قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» یعنی کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند. این همان معنای شهادتی است که ما مد نظرمان است. مد نظر شما هم هست. پادکست بر این اساس دارد بیان می‌شود. راجع به گواهان بر عمل یک بحث دیگر است که ان‌شاءالله این بحث را سر جای خودش باید به عنوان یکی از بحث‌های بسیار مهم... که سلطان آیه آن هم «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» که شما وقتی که عمل انجام می‌دهید، خدا می‌بیند و رسول خدا می‌بیند و مؤمنان و ائمه و امام زمان و مؤمنان سطح پایین‌تر، بستگی به مرتبه ایمانی‌شان دارد، آنها شاهدان و گواهان بر عمل هستند. آن، سر جای خودش ان‌شاءالله یک موقعی به آن خواهیم پرداخت.

شهید در قرآن زنده است

خب این معنای «قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» در معانی قرآنی، قرآن به یک معنایی خیلی اصرار دارد و آن اصرار قرآن بر این است که ما یک موت داریم، یک «قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» داریم. یعنی یک مرگ داریم، یک شهادت داریم. اصرار قرآن این است که شهید نمرده است. خیلی صاف و روشن، بدون پیرایه و بدون مجازگویی و استعاره گویی واقعاً نمرده است. نه اینکه حالا شما مرده‌ای ولی حالا شما حساب کن نمرده‌است. نه، این جوری نیست.

در آیاتی از قرآن که من عرض می‌کنم، می‌بینید بین موت و «فُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» اولاً تفاوت قائل می‌شود. در آیات قرآن این معنا را داریم مثلاً «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ» وقتی که خبر شهادت پیغمبر به صورت شایعه بعد از احد و در جریان جنگ احد پیچید، قرآن می‌گوید، «أَفَإِنْ مَاتَ» اگر پیغمبر مرده باشد یا شهید شده باشد، شما می‌خواهید برگردید عقب. معلوم است مردن غیر از شهید شدن است.

یا مثلاً آیه دیگر دارد: «إِذْ لَقِيَكَ اللَّهُ أَوْ قُتِلْتَ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ» اگر مرده باشید یا شهید بشوید، «لِإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ» به سمت حق محشور می‌شوید. خب، این معلوم است که شهادت غیر از مردن است. واقعاً غیر از مردن است. ببینید عزیزان! یک موقع یک کرم در پيله‌ای خفه می‌شود و در پيله می‌میرد. این یک جور است. یک موقع هست یک کرم پيله، خودش را پاره می‌کند و پروانه‌وار از این پيله خارج می‌شود و در آسمان‌ها حرکت می‌کند. این یک چیز دیگر است. آن، مرده است واقعاً، آن کرم در پيله مرده است. ولی این پروانه‌ای که ایجاد شده، این اتفاقاً نمرده است و به همان معنایی که شما فکر می‌کنید مرده است، نمرده است. یعنی چه؟ یعنی شما ببینید وقتی که می‌گویید این شهید مرده است، منظورتان چیست؟ یعنی دستش از دنیا کوتاه شده است؟ دقیقاً به همین معنا نمرده است و به همین معنا زنده است. یعنی دستش، کارش، اعمال نفوذش، کارهایی که می‌تواند انجام بدهد، به دلیل اینکه اتفاقاً از اصطکاک‌های عالم ماده خارج شده است، اتفاقاً دستش بازتر و عملیاتی‌تر و بدون اصطکاک است.

من اگر بخواهم یک مثال بزنم، مثلاً شما فرض بفرمایید که یک ماشینی که در دنده یک حرکت می‌کند، بیشتر انرژی‌اش صرف غلبه بر اصطکاک می‌شود. ولی در دنده‌های بالاتر که حرکت می‌کند، هر دنده‌ای که بالاتر حرکت می‌کند، انرژی‌اش صرف سرعت می‌شود. حالا اگر مثل موشک بالستیک شد که از جو خارج شد، آنجا دیگر کلاً با اصطکاک است. در فضای بی‌اصطکاک، آن موقع است که شما می‌بینید سرعت‌هایی می‌رود آن موشک که هیچ‌گاه در فضایی که در فضای جو دارد حرکت می‌کند، نمی‌تواند آن سرعت‌ها را برود. لذا چند تا تبعه دارد این بحثمان، تبعات دارد. یکی‌اش این است که ما واقعاً فکر نمی‌کنیم شهدا مرده‌اند و ما شهدا را از دست داده‌ایم. اینجا بگذارید با همدیگر یک شعاری را تجربه کنیم. یک مقداری بررسی بکنیم. ببینید اینی که می‌گویند این گل پرپر از کجا آمده؟ این حرف درستی نیست. شهدا گل پرپر شده نیستند. بله، گل‌هایی هستند روی درخت وقتی که پرپر می‌شوند، میوه می‌شوند. این درست است. ولی اگر یک گلی باشد که همین‌جوری پرپر شده باشد، خب، این یعنی ضایع شده دیگر، تمام شده است دیگر.

ببخشید، ببخشید، ببخشید، دیده‌اید می‌گویند که آقا، مطلب را شهید کردی؟ می‌خواهند بگویند مطلب را ضایع کردی، می‌گویند مطلب را شهید کردی. آقا، حرف دهانت را بفهم. شهید مگر ضایع شده است که شما می‌گویید مطلب را شهید کرده‌ای؟ خب، شهید ضایع نشده است. شهید نمرده است. شهید زنده است. دقیقاً به همان معنایی که شما فکر می‌کنید مرده است، مرده نیست. زنده است. بله، یک تنی را، یک پیراهنی را انداخته است کنار. این به این معنی نیست که کسی که پیراهنش را می‌اندازد کنار، خودش مرده است که نه!

از این جهت است که قرآن به این معنا خیلی پافشاری می‌کند. شما ببینید هم آیات معروفی از سوره مبارکه بقره، هم آیات معروفی از سوره مبارکه آل عمران را من برای شما می‌خوانم. حتماً شنیده‌اید. بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ». نگویید «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ». ببینید، خود این گفتن‌ها، رفته‌رفته باعث می‌شود آدم باور کند. می‌گوید: نگویید که شهدا مرده‌اند. «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ». بلکه اینها زنده‌اند. «وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ». شما شعور ندارید فکر می‌کنید اینها مرده‌اند. بعدش است این آیات معروف «وَلَتَبْلُغَنَّهُمْ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» که حتماً در ابتدای انسانی قرار می‌گیرد.

باز این آیات معروف سوره مبارکه آل عمران، اینجا می‌گوید اصلاً چنین محاسبه‌ای نکنید، اصلاً به ذهنتان هم نیاورید. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ». ببینید، معنایش این است که شما چنین گمانی هم به ذهنتان نیاید که اینها مرده‌اند، بلکه اینها زنده‌اند و دقت کنید «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ». اینها الان جایشان رسیده به کجا؟ به مقامِ عِنْدِ، «عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ». خوب دقت کنید عزیزان. ببینم می‌توانید تصور کنید این معنا را؟ یک چراغ قوه‌ای را بگیرید پایین، چراغ قوه را که پایین می‌گیرید، یک حدی را روشن می‌کند، یک مساحتی را روشن می‌کند. همین چراغ قوه را وقتی که خیلی بالا می‌گیرید، آن شعاعی را که روشن می‌کند، خیلی زیاده‌تر است. ما از شهدا، از حاج قاسم عزیز، از شهید رئیسی عزیز، از اینها، توقعاتمان اتفاقاً بیشتر است. این جوری نیست که دوره خدمتشان به پایان رسیده باشد. ابداً این جوری نیست که شهید ما رفته نفسی تازه کند، و برگردد. ابداً. اتفاقاً توقع در همان لحظه، در همین لحظه، توقع از آنها بیشتر است. حالا عرض خواهم کرد در خود آیاتی که می‌خواهم بخوانم، این مشخص است که چقدر دست و بال اینها بازتر می‌شود و عملیات‌هایی که دارند انجام می‌دهند، چقدر عملیات‌های موفق‌تری است و چقدر روحیه‌بخش است برای رزمندگانی که دارند آن مسیر را (می‌روند) و قطاری که دارد آن مسیر را حرکت می‌کند.

در همین آیات دارد. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ». گمان نکنید آن کسانی که کشته شدند در راه خدا، اینها مرده‌اند، بلکه اینها «أَحْيَاءٌ» هستند، زنده‌اند و «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» هستند. خب، آیا معنایش این است که اینها برای خودشان دارند روزی می‌خورند؟ نخیر، اینها تک‌خور نیستند. بعداً آیه مشخص می‌شود. «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» اولاً، بسیار خوشحالند. «فرح» یعنی خیلی خوشحال هستند به واسطه آن چیزی که خدا از فضلش به آنها داده است. خب، دیگر این که برای خودشان شد «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» و دارند استبصار و طلب بشارت می‌کنند و خوشحال هستند و دارند این بشارت را به چه کسانی می‌دهند؟ به کسانی که «لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِّنْ خَلْفِهِمْ» پشت سر آنها دارند حرکت می‌کنند و هنوز به آنها ملحق نشده‌اند. این قطار هنوز به آنها ملحق نشده است. دارند چه کار می‌کنند؟ «أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». دارند خوف و حزن را از روی این رزمندگان دیگری، پای به رکاب دیگری دارند برمی‌دارند.

«يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ». اینها خوشحالند به نعمت‌هایی که از جانب خدا هست. از فضلی که از جانب خدا هست. یعنی چه؟ یعنی فوق استحقاق خود، دارند روزی می‌بینند «وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» و خدا اجر مؤمنین را ضایع نمی‌کند. حالا مؤمنین چه کسانی هستند؟ ببینید، یک عده درجنگ احد، رزمنده بودند، شهید شدند، یک عده رزمنده بودند، زخم برداشتند. ولی ببینید، این حادثه احد که حادثه تلخی بود برای رزمندگان اسلام و برای مملکت پیغمبر، وارد مرحله جدیدی کرد. مرحله

جدید چیست؟ یک غزوه‌ای است به نام غزوه حمراء الاسد که خدا به مؤمنین، پیغمبر به مؤمنین گفتند آن کسانی که زخمی شدند، بایستند. داستان‌ش را می‌دانید؟ وقتی که مشرکین مکه تقریباً پیروزمندانه برگشتند، به ذهنشان رسید که خب ما چرا برگشتیم؟ می‌رفتیم و کار دین اسلام را یکسره می‌کردیم. وقتی که برگشتند خبر به پیغمبر رسید که این مشرکین برگشته‌اند. پیغمبر بود و یک سری سرباز لت و پار، یک سری رزمنده خسته.

پیغمبر گفتش که همین خسته‌ها و لت و پارها بیایند. وقتی که اینها آمدند و پیمان بستند که تا همه جا با پیغمبر می‌ایستند، پیمان بستند همان و لشکر دشمن برگشتن همان. ببینید، این مرحله جدیدی است. حادثه احد اتفاق افتاده. حادثه تلخی است. منتها، این شهادت‌ها و این زخم خوردن‌ها، اسلام را وارد یک مرحله نوبی می‌کند. وارد مرحله غزوه حمراء الاسد، که چه می‌شود؟ «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ» کسانی که جواب خدا و رسول را دادند، بعد از اینکه زخم برداشتند، «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ» برای کسانی که احسان کردند از اینها و تقوا پیشه کردند، اجر عظیمی است. اینها چه کسانی هستند؟ «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» ببینید، این یعنی اینکه مؤمنین دارند آبدیده می‌شوند در این فضاها. مؤمنین در حوادث و کوره داغ‌ها و ابتلائات، دارند ناب می‌شوند. وقتی که به آنها گفتند که مردم آمدند، ناس آمدند که کار شما را یکسره بکنند، «فَاخْشَوْهُمْ» شما بترسید، «فَزَادَهُمْ إِيمَانًا» اینها ایمانشان زیادتر شد و «وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» گفتند خدا برای ما بس است. خدا نعم الوکیل است. آن موقع دارد که «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ». اینها برگشتند به سمت خدا. با فضل خدا، با نعمتی از خدا «لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ»، هیچ مشکلی دیگر برایشان به وجود نیامد. «وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ» آن موقع دیگر دنبال بهشت و جهنم هم نبودند، اینها دیگر دنبال رضایت الهی بودند. «وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ» اینجا دیگر خدا می‌گوید من دیگر با فضل عظیم دارم با این جماعت برخورد می‌کنم.

ببینید عزیزان، یک بار دیگر عرض می‌کنم. حادثه‌ها گاهی اوقات تلخ است. این حادثه تلخ به این معنا نیست که ما داریم از بین می‌رویم. اصلاً شهیدی که نمرده است، دارد ما را وارد مرحله بعدی می‌کند. ما را دارد در مرحله بعدی تثبیت می‌کند. شهادت آقای رئیسی، ان شاء الله خدا در اعلیٰ علین ایشان را جا بدهد، بالاخره پرچم‌هایی از انقلاب را بلند کردند که این پرچم‌ها می‌توانست، پرچم‌هایی باشد که به پایین کشیده شود. اما این خون، این حادثه تلخ، باعث شد که این پرچم‌ها در آن قله‌ها تثبیت شود. به صورتی که هر کس دیگری رئیس‌جمهور این کشور شود، باید از این پرچم‌ها تازه آغاز کند کارهایش را. مرحله بعدی را ما حرکت بکنیم. می‌بینید، این حادثه‌ها پس چیست؟ وقتی که این شهادت‌ها را این جوری نگاه بکنید، تلخ است ولی بد نیست. ببینید، قرآن اصرار دارد به فضای «أَحَدَ الْحُسَيْنَيْنِ». این «أَحَدَ الْحُسَيْنَيْنِ» یعنی یکی از دو امر خوب. یعنی اگر ما پیروز بشویم، خوب است، اگر کشته بشویم از بین نرفتیم که، شهید شده‌ایم و آن کسی که شهید شده است، از بین نرفته است و دارد کارهای بزرگ‌تری انجام می‌دهد.

اگر هم پیروز بشویم، خوب، پیروز شده‌ایم. برای همین، در سوره مبارکه توبه، این آیه معروف هست که «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ» آیا شما در مورد ما چه انتظاری می‌کشید؟ فقط انتظار یکی از دو امر خوب را باید بکشید. ببینید این چقدر روحیه‌بخش است. از تبعات دیگر همین بحث، این است که ما حسرت و زبونی نداریم در

شهادت. این حرف خیلی مهمی است. چشممان گریه می‌کند ولی قلبمان گریه نمی‌کند. اینی که ما از دست دادیم، این حرف کفار است. قرآن این را می‌گوید می‌گوید: «لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ» می‌گوید مبدا شبیه کفار باشید، بگویید اگر هلیکوپتر نمی‌رفت، اگر این جوری بود، اگر فلان جور بود، اینها پیش ما مانده بودند. اگر زمینی رفته بودند، چنین شده بودند. اگر با هواپیما رفته بودند، چنان شده بودند. اصلاً از این حرف‌ها نزنید. «لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ» تا اینکه اینها حسرت شود در قلوب کفار. نکند در قلوب مؤمنین حسرت شود و نگوید تا «فِي قُلُوبِهِمْ» در قلوب کفار حسرت بشود. لذا می‌گوییم قرآن به تبعاتش کاملاً پایبند است. وقتی که می‌گوید نمرده‌اند. کاملاً می‌گوید نمرده‌اند. شوخی هم ندارد. نمرده‌اند. از آن طرف، شوق به شهادت را خیلی در قرآن داریم، شوق به جهاد و شهادت.

جمع بندی

تا اینجا مطلب عنوان‌هایی که گفتیم یادمان بیاوریم یک بار. ما گفتیم شهادت عبارت قرآنی‌اش با شهادت اصطلاحی فرق دارد «قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (یعنی شهید) این را متوجه شدیم. مطلب بعدی که گفتیم این بود که شهید نمرده است. شهید واقعاً واقعاً زنده است. بلکه زنده‌تر است. از پيله درآمده است. توقعات از او بیشتر است. این بحث، چند تا تبعه دارد. یکی اینکه دستش بازتر است و کار بیشتری انجام می‌دهد. دارد به هم‌قطاری‌های خودش کمک می‌دهد. از آن طرف، به همین دلیل، قرآن می‌گوید که شما هیچ‌وقت غصه شهادت نخورید. مثل کفار نباشید. (البته) فقط چشمتان گریه بکند طوری نیست، قلبتان نمیرد و مأیوس نشود و گریه‌های حسرت و زبونی نکنید. کما اینکه امیرالمؤمنین در کشته‌های صفین، دارد «مَرَّ بِالشَّابَّابِينَ» از یک جایی رد شدند، دیدند که یک سری دارند گریه می‌کنند بر کشتگان صفین. حضرت شکایت کردند، به آن بزرگ قبیله گفتند برای چه گریه می‌کنید؟ مگر چه اتفاقی افتاده است؟ جلوی گریه‌ها را بگیرید. این درست نیست که یک جوری آدم وانمود کند که این کشتگان، اینها از بین رفته‌اند، شهدا از بین رفته‌اند. این تبعات را باید دقت کنیم.

عزیزان شنونده پادکست، پادکست شهادت است. اولین سیزن و فصلی که داریم در خدمتتان هستیم، همین مطلب و عنوان مهم شهادت است. ان شاء الله این سری پادکست‌ها هم با موضوعات قرآنی، مورد توجه شما قرار بگیرد. خدا بپسندد، امام زمان بپسندند و ما را مشمول دعای خیر خودشان بکنند. دم شما گرم. یا علی. خدا حافظ.